

شاه
خانم
صفت زینب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حضرت زینب (ع)
خاندان نبوت
شده



سازمان اوقاف و امور خیریه
جمهوری اسلامی ایران

محترمانه خاندان شاه

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تدوین: مجتمع فرهنگی پژوهشی اوقاف
نویسنده: رضا خوی
تصویرگر: احسان چراغی ایرانشاهی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
قطع: خشتی

نوبت چاپ: تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰،۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

اهدای معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، خیابان جمهوری، بین کوی ۱۶ و ۱۸، پ ۴۸، مجتمع فرهنگی پژوهشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۴۶۰۴۲ - ۰۲۵ - ۳۲۹۴۶۰۴۲ - ۰۲۵

غیر قابل فروش



فرشته و مترسک یک: الماس

دختر نگو، طلا بگو / ۲۴

رانندهٔ موفرفری / ۲۶

تردمیل / ۲۸

چندش / ۳۰

مترسک / ۳۲

و کیلم؟ بعله! / ۳۴

چشمان کور شده پسران / ۳۶

دختر چشم آبی / ۳۸

کمر بند مشکی / ۴۰

آسانسور / ۴۲

ریحانه / ۴۴

الماس / ۴۶

دو: بلغور عشق / ۴۸

پارک ممنوع / ۵۰

ته دیگ سوخته / ۵۲

غلطگیر / ۵۴

سوزن و سوء ظن / ۵۶

کدو / ۵۸

بلغور عشق / ۶۰

سه: غر و لند / ۶۲

تریپ مشکی / ۶۴

نیش و کنایه / ۶۶

کوه و کلنگ / ۶۸

غر و لند / ۷۰

زیباتر از زیبا / ۷۲

چهار: دماغ سوخته / ۷۴

گلاب به روتون / ۷۶

رقص غبارها / ۷۸

لجبازی / ۸۰

مورچهٔ چپ کرده / ۸۲

دیوار کج / ۸۴

خوش اشتها / ۸۶

دماغ سوخته / ۸۸

رخ مهتاب / ۹۰

از جنس بهشت / ۹۲

مادر هستی / ۹۴

حیای دخترانه / ۹۶

هفت نشانه / ۹۸

بوی باران... / ۱۰۸

کتابنامه / ۱۱۰



مقدمه

بر روی مسئله حجاب «کار هنری و کار زیبای تبلیغی» باید صورت گیرد تا این مسئله در ذهن جای گیرد. من فکر می‌کنم در وضع کنونی، اگر در کنار میل طبیعی زن به حجاب شایسته، نوعی «تبلیغات صحیح» که بتواند نقطه نظر اسلام را هم تأمین کند، ارائه شود، زنان ما به حجاب اصیل اسلامی و شرعی رو خواهند آورد. در این جنگ نرم، وظیفه مجموعه فرهنگی این است که «هنر» را تمام عیار و با «قالبی مناسب» به میدان آورد تا اثرگذار شود.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) دختر تحفه ای الهی، مولودی پر خیر و برکت، دوست داشتنی و گل زیبای آفرینش است که در آموزه های دینی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ارزش خدادادی، سبقت در خداپاوری و گرایش به معنویات، ویژگی های جسمی، روحیه لطیف و شکننده و نیز نقش والای دختر در آینده خانواده




و اجتماع، حساسیت و دقت نظر دین را برانگیخته تا با برنامه ها و راهبردهایی زیبا و کارآمد، دختران و بانوان بتوانند در کنار ایفای نقش ممتاز خود، از آسیبهای احتمالی نیز مصون بمانند. یکی از این راهبردها، توجه به نوع پوشش و چگونگی حضور در اجتماع و حفظ حریم محرم و نامحرم است تا از رهگذر آن، هم خود سلامت بماند و هم جامعه نسبت به آفات احتمالی واکنش نگیرد؛ همانگونه که قرآن کریم نیز علت و فلسفه حجاب را، محفوظ ماندن دختران از آزار و اذیتها و نامهربانیهای احتمالی دانسته، میفرماید: «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»^۱ یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند.

در این راستا معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه سعی نموده است با ارائه نگاه و سبکی جدید در ترویج این امر مهم همت گمارد امید است بتواند گامی در تبیین واقعیتها و حفظ و حراست جایگاه واقعی دختران و بانوان بردارد. إن شاء الله


معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه





The image features a central circular frame with a double-line border. The frame is surrounded by several butterflies and small flowers, including daisies and sprigs of leaves. The background is a light, textured surface, possibly paper or fabric, with a subtle pattern of small fibers. The overall aesthetic is soft and artistic.

**پروانه‌های
صورتی**



خداوند به هر که خواهد،
دختر و به هر که خواهد،
پسر می دهد و یا پسر و
دختر را با هم به وی عطا
می کند!

۱. سوره شورا، آیات ۴۹ و ۵۰.

خدا بر دختران
مهربان تر است تا پسران!

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۴. به نقل از امام
رضاعلیه السلام.

دختران، بهترین فرزندان شما
هستند!

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶؛ بحارالانوار،
ج ۱۰۱، ص ۹۱. به نقل از پیامبر (ص).

پس از تولد دختر، فرشته ای از
جانب خدا، مأمور محافظت از او
می شود!


۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲؛ وسائل الشیعه،
ج ۱۵، ص ۱۰۴. به نقل از امام صادق علیه السلام.

چه فرزند خوبی است دختر!
پر محبت، کمک کار،
مونس و همدم، پاک و
علاقه مند به پاکیزگی!

۱. کافی، ج ۶، ص ۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷؛
وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰، به نقل از پیامبر
اعظم (ص).


از نشانه‌های سعادت
و خوش قدمی زن
آن است که نخستین فرزندش دختر
باشد.^۱

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛
بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۸. به نقل از رسول خدا
صلی الله علیه و آله.




نوشته بود: همسر م باردار است،
دعا کنید خداوند پسری روزی ام
گرداند!
امام هادی (ع) در پاسخ او نوشت:
«چه بسا دختری که از پسر بهتر
است.»!

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۷۷؛ الخرائج والجرائح، ج ۱،
ص ۳۹۹.



دختران، نیکی و پسران، نعمت اند.
خداوند به خاطر نیکی ها
پاداش می دهد،
ولی از نعمتها بازخواست می کند.^۱

۱. کافی، ج ۶، ص ۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۰۴. به
نقل از امام صادق (ع).



چرا وقتی خبر دختردار شدن
را به تو دادند،
عصبانی و ناراحت شدی!
بدان که دختر مانند گلی
است که او را می بویی؛ از
او به تو زیانی نخواهد رسید،
مخارجش را هم خدا تأمین
می کند!

۱. فرمایش امام صادق(ع) به مردی که
از دختردار شدن خود ناراحت بود. من
لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۱؛ وسائل
الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۲.

از ازدواج و همسر خود راضی

هستی؟

بله، کاملاً!

فقط یک ایراد دارد.

چه ایرادی؟ به من خیانت کرده‌اچه

خیانتی؟ برایم دختر به دنیا آورده!

یعنی تو از داشتن دختر ناراحتی؟

بدان که داشتن دختر حتماً به نفع


توست، ولی معلوم نیست از مردان و

پسران خیر بینی!

۱. کافی، ج ۶، ص ۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۱. به نقل از امام ششم (ع).

وقتی از بازار به خانه برگشتی،
اول هدیه دختر را بده تا گل
لبخند بر چهره اش بنشانی!

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۷؛ بحار الانوار،
ج ۲۳، ص ۱۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵،
ص ۱۱۸. به نقل از پیامبر اعظم (ص).



دختران و زنان مانند بلور،
حساس و شکننده‌اند؛
آنها را نیاز دارید!

۱. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۱۳ به
نقل از پیامبر اعظم (ص).

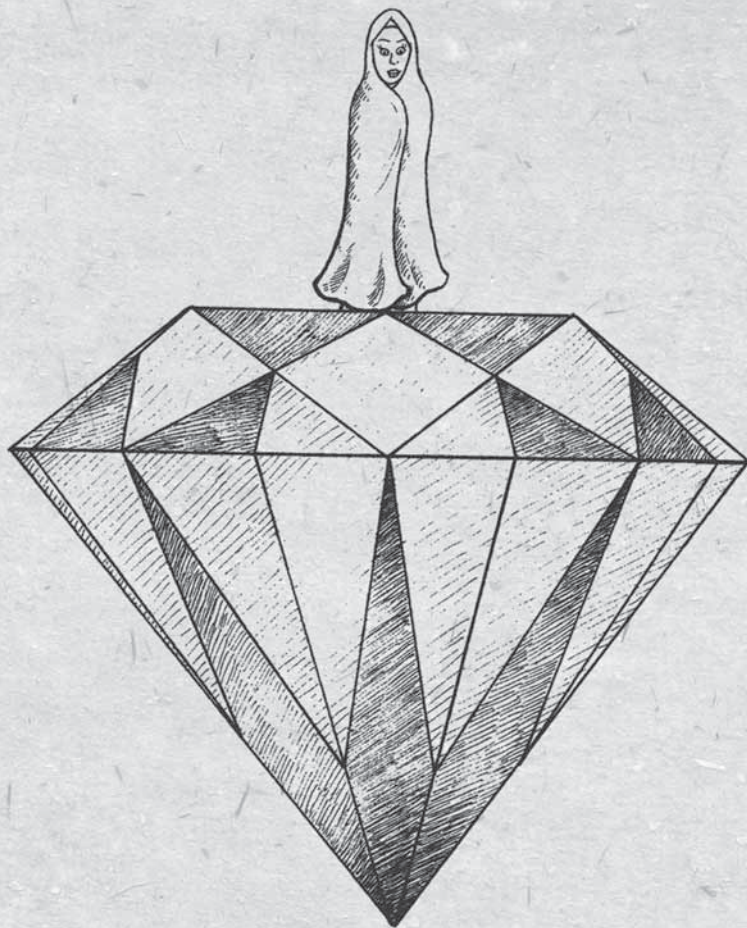
یک: املاس



دختر نگو، طلا بگو!

دختر طلاست و صد البته دوستدار و هوادار پَر و پا قرص طلا! یک طلافروش چندین نوع احتیاط و مراقبت به خرج می دهد و درصدی از درآمد خود را هزینه می کند تا کسی به فکر سرقت طلاها نیفتد.

خداوند هم از دختر که سرمایه با ارزش پدر و مادر و طلای گران قیمت آفرینش است، خواسته مواظب باشد تا مبادا با بی توجهی و غفلت، دزدهای شرافت و شخصیت، در او طمع کنند و هوس سرقت در سر پیورانند.



راننده موفرفری

وقتی برای رفتن به مدرسه، استخر، باشگاه، مهمانی یا هر جای دیگری سوار ماشین می شوید، دیدن صندلی های کثیف، آشغال های زیر پا، شیشه های دودی شده با خاک و غبار و... حس مثبتی به شما منتقل نمی کند. در این میان، گفته های راننده موفرفری با آن دست های چرک گرفته و لباس های پراز چین و چروکش که مدام از تمیزی، نظافت، آراستگی، کلاس، زیبایی ظاهری... دم می زند، حوصله شما را سر می برد.

یعنی همه باور دارند که ظاهر آدم ها، نشان دهنده باطن آنهاست و اگر کسی ظاهرش به گونه ای باشد و باطنش جور دیگر، کسی به حرف و ادعایش توجه نمی کند؛ پس چه طور می توان حرف برخی را باور کرد که با بدترین وضع حجاب و آرایش و... ظاهر می شوند و مدام دم از خدا و دل پاک می زنند، در حالی که ظاهرشان رنگ و بویی از خدا و معنویت ندارد!

خداوند می فرماید: همه مردم زیانکارند، مگر کسانی که در کنار ایمانشان، عمل صالح داشته باشند: ایمان + عمل شایسته!

امام صادق (ع) هم می فرمود: خرابی و ناپاکی ظاهر، نشان دهنده زشتی باطن و قلب است.^۲

۱. سوره عصر، آیات ۲ و ۳: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ».

۲. «فَسَادُ الظَّاهِرِ مِنْ فُسَادِ الْبَاطِنِ». بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۵. و امام علی (ع) فرمودند: «صَلْحُ الظَّوَاهِرِ عُنْوَانُ صِحَّةِ الصَّمَاتِ؛ درستی رفتارهای ظاهری، تابلو و نشانه سلامت باطن است». عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۲۸.



تردمیل

امروزه برای جبران کسری فعالیت های بدنی، استفاده از وسائل ورزشی همانند تردمیل و دوچرخه ثابت زیاد شده و فرد ساعت ها روی آن حرکت می کند، در حالی که هیچ پیشرفت و حرکت واقعی ندارد. برخی از دوستان و اطرافیان تازه به دوران رسیده، با شرکت در چند ترم کلاس زبان و موسیقی یا حتی آمدن از روستا به شهر، چنان ادا و اطواری در می آورند و آن قدر در پوشش، حرف زدن و راه رفتنشان تغییر ایجاد می کنند که اگر کسی آنها را نشناسد، به خودش شک می کند! اینان با ادعای کلاس، متفاوت و به روز بودن، نه تنها خودشان به سوی کمال و معنویت حرکت نمی کنند، بلکه دوستان جو زده، دهن بین و متزلزل را هم به حرکت مصنوعی و نمایشی راضی می کنند. به قول حافظ:

در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب یا رب مباد آنکه گدا معتبر شود
حضرت علی (ع) می فرماید: «انسان پست و کم ظرفیت، با اندک مقامی فریفته می شود»!

فقط سختیم همین بود
اینم تحمل کنیم
دیگه با کلاس می‌شیم

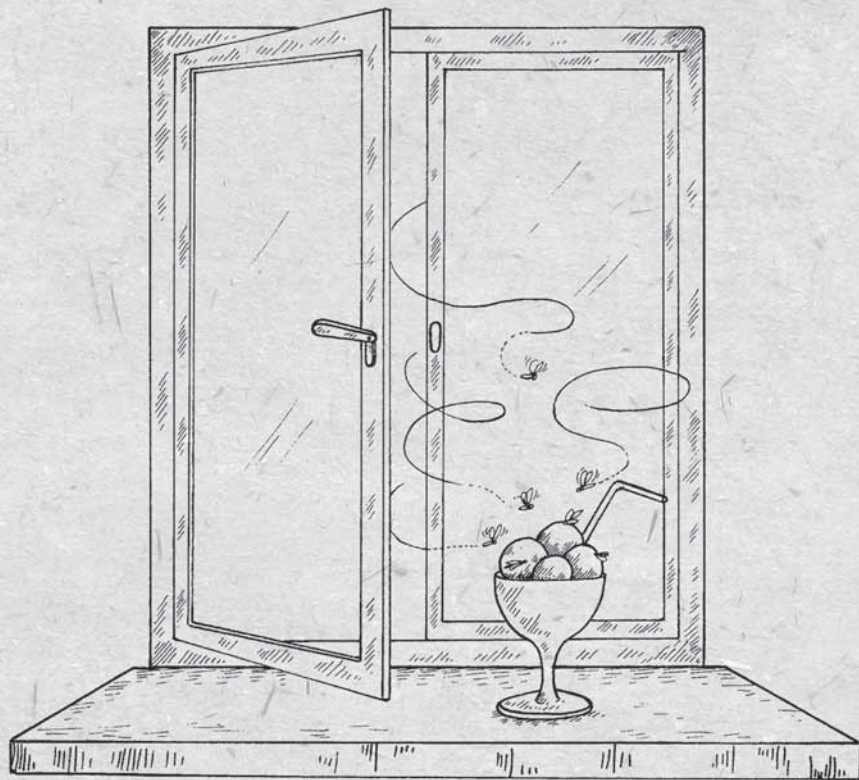


چندش!

تابستان که می شود، سر و کلهٔ مگس های مزاحم هم پیدا می شود. سرکشی و چسیدن غذاها و شیرینی ها و تأیید و رد دست پخت سرآشپز خانه، از کارهای روزمره آنان است؛ ولی دماغ، پیشانی، لب و دست های انسان چه شیرینی ویژه ای دارد که بیشتر روی آن فرود می آیند، معمایی است که برای حل آن باید ساعت ها به تفکر نشست!

از دیگر عادت های بد مگس ها، به هم ریختن اعصاب و کلافه کردن انسان است، به ویژه وقتی هوا گرم است و برق منزل هم قطع! البته عقلای روزگار! درب و پنجره ها را تورپیچ و غذاها را با روپوش های مناسب محافظت می کنند! ولی به هر حال اساتید فن و بزرگان مگسی! با ابتکار عمل، همواره راهی جدید می گشایند.

برخی مردان و پسران هم مثل مگس های چندش آور، در کمین بی پوشش مانند دختران هستند، تا روی شیرینی ایمان آنها بنشینند؛ پس مواظب باشید، خصوصاً در فصل گرما!!



مترسک

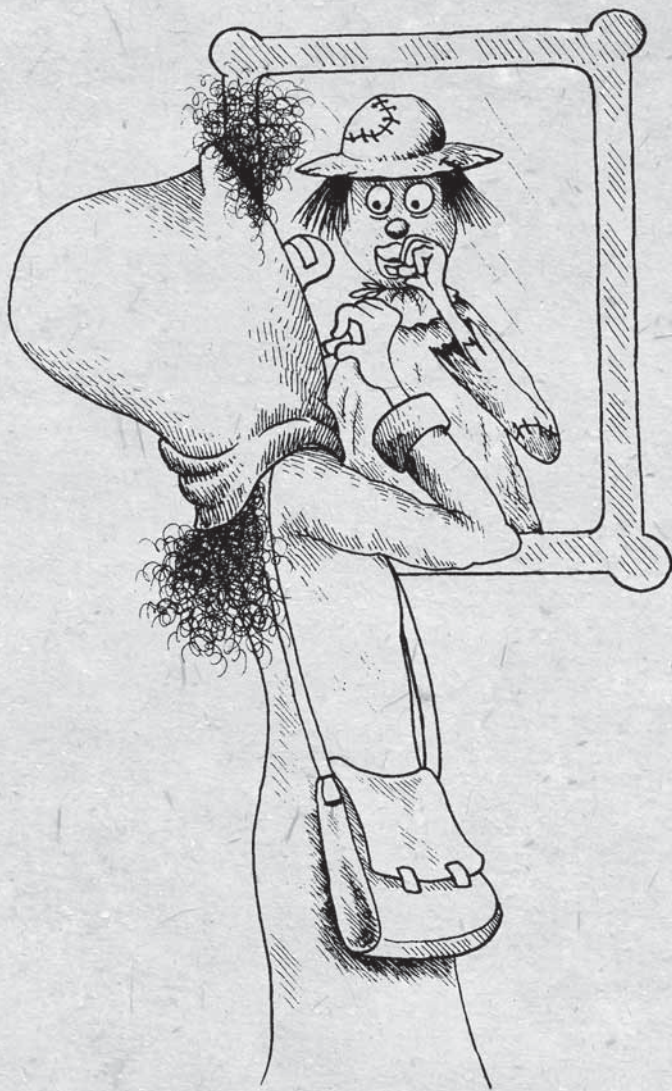
مترسک مزرعه، فقط شکل آدم هاست و آدای آنان را در می آورد. تیپ زدن مترسک بدون قلب، با آن کلهٔ پر از کاه، چه بسا باعث فریب چند کلاغ گردد، لانهٔ مناسبی برای زمستان گنجشک های زرنگ و اسباب بازی جذابی برای بچه ها شود، ولی حقیقت و باطن بی ارزش و حقیر او را تغییر نخواهد داد.

خیلی از آدمهای دور و بر ما هم فقط شکل انسان دارند که با رنگ و لعاب هایی که به سر و صورت خود می مالند، ظاهری شیک و جذاب پیدا می کنند؛ زیبایی و جذابیتی که مترسک هم می تواند با کمی آرایش و پیرایش بدان برسد.

ولی خداوند دختر را مترسک نیافریده تا بازیچهٔ دست این و آن شود. دختر، مترسک پابند مزرعهٔ خاکی و گل سیاه زمین نیست، فرشته ای است که باید به اوج برسد و در آسمانها پرواز کند.

امام باقر(ع) می فرمود: «هر کس ظاهرش از باطنش بهتر باشد، کم ارزش و ترازوی اعمالش سبک است»^۱.

۱. «مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ، خَفَّ مِيزَانُهُ». تحف العقول، ص ۲۹۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۰.



وکیلیم؟ بعله!

- وکیلیم؟

صدایی نیامد، شک داشت.

دوباره پرسید.

- وکیلیم؟

باز هم ساکت ماند.

در حالی که نیشش تا بنا گوش باز بود، برای بار سوم پرسید:

وکیلیم؟

- ب ب ب... بعله!

از آن لحظه که شیطان از او وکالت گرفت، یک لحظه هم رهایش نکرد. همیشه و همه جا همراهش بود؛ اونم شد عروسک کوکی شیطان!

«هر که از یاد خدای رحمان رخ برتابد، شیطانی بر او می‌گماریم که همراه و دمساز وی گردد»^۱.

۱. «وَمَنْ يَعُشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ». سورة زخرف، آیه ۳۶.



چشمان کور شده پسران!

پیرمرد صندلی تاشوی رنگ و رو رفته اش را برداشت و با چند متر فاصله، رو به روی درب باز خانه نشست. او مثل هر روز، سهمیه چند پس گردنی، تعدادی ناقابل فحش و مقداری خنده را درون خورجین توخالی و فکر متعالی!! خود ریخت و با آمادگی بدنی قابل ملاحظه برای تعقیب، به انتظار رهگذرانی که به طور طبیعی و تنها بر اساس غریزه فضولی! نگاهی درون خانه اش می انداختند، نشست!

برخی دختران و بانوان بدحجاب هم برای فرار از وظیفه شرعی خود، فتوایی تاریخی! صادر کرده اند: آنها چشم کور شده شان را ببندند، چرا ما خودمان را پوشانیم!

حال اگر پسران چشم نبندند و دختران هم روی حرفشان بایستند، چه خواهد شد؟! خداوند راهکار منصفانه و جالبی داده است: زن و مرد هر کدام وظیفه ای دارند؛ زنان و دختران به اقتضای جدایت، لطافت و ظرافتی که دارند، خود را با پوشش بیشتر حفظ کنند، پسران هم باید چشم و نگاه خود را کنترل کنند.

خداوند چنین خواسته است: «[ای زنان] مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودنمایی نکنید^۱ و زینت و زیبایی خود را جز برای شوهران آشکار نسازید.^۲ و آنگونه پای به زمین نزنید که زینت و زیورهای پنهان معلوم شود.»^۳

و خطاب به پسران و مردان می فرماید: «چشم های خود را از نگاه (به نامحرم) فرو گیرید و عفت و پاکدامنی خود را حفظ نمایید.»^۴

۱. «وَلَا تَبْرَجْنَ بِرُجِّ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». سورة احزاب، آیه ۳۳.

۲. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» سورة نور، آیه ۳۱.

۳. «وَلَا يَبْصُرْنَ بِالْأَبْصَارِ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ». سورة نور، آیه ۳۱.

۴. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ». سورة نور، آیه ۳۱.

پس چرا ایسا اصلاً ہے من
توجہ ہی کتنی...!؟



دختر چشم آبی!

چیزهای مثبت و منفی زیادی در خیابان توجه آدم را جلب می‌کند؛ دختر کوچولوی زیبای چشم آبی که لباس های صورتی قشنگ و موهایی طلایی بیرون زده از گوشهٔ روسری کوچکش، حس زیبایی دوستی انسان را تحریک می‌کند.

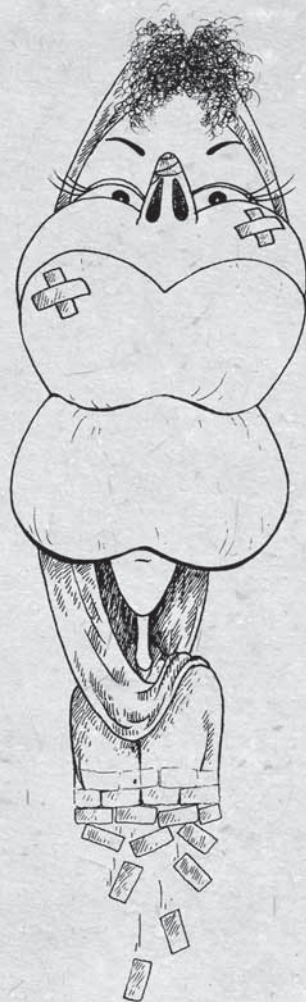
بچه ای که با پوشیدن کت و شلوار پدر یا کفش پاشنه بلند و مانتوی مادرش وارد خیابان شده، این بار اوست که نگاه‌ها را به سوی خود جلب می‌کند؛ ولی نگاهی همراه با خنده و تمسخر.

همچنین جلب توجه دیوانهٔ چماق به دستی که با حرکات غیر عادی، خنده‌ها و جملاتش، دیگران را متوجه خود می‌کند، باعث هماهنگی بین سه کلمه می‌شود: ترس، خنده و فرار!

مشاهدهٔ صحنهٔ تصادف، قتل، درگیری، تئاترهای خیابانی، معرکه‌گیران دوره‌گرد و ده‌ها مورد مثبت و منفی دیگر هم می‌تواند توجه انسان را به خود جلب کند.

حتماً شما هم موافق هستید که هر جلب توجهی را نمی‌توان تأیید کرد و به مثبت بودن آن حکم کرد، اگرچه هر کدام از آنها کار خود را پسندیده‌اند و با کمال غرور و افتخار آن را انجام دهد؛ بیننده باید عاقل باشد. به قول حضرت امیر(ع): «برای کسی که دارای دو چشم است، صبح روشن است.»^۱

۱. «قَدْ أَضَاءَ الضُّبْحُ لِذِي عَيْنَيْنِ». نهج البلاغه، حکمت ۱۶۹.



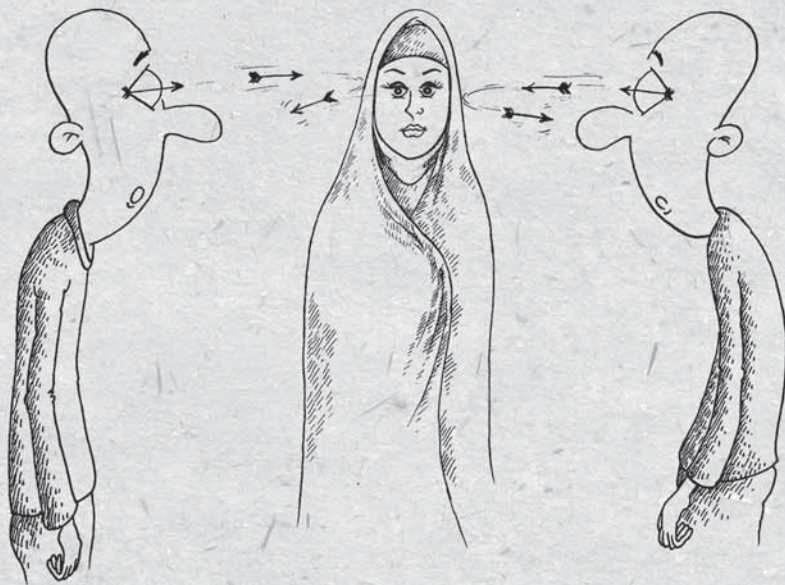
کمر بند مشکی

سفید، زرد، سبز، آبی، قرمز، سیاه؛ پس از مدت ها تلاش برای رسیدن به موفقیت، به آخرش که می رسی، برترین رنگ کمر بند نصیبت می شود: مشکی!

کلی کیف می کنی، جشن می گیری، دوستان و آشنایان را پیامک [SMS] باران می کنی! برای رو کم کنی بعضی ها هم که شده، مراسمی می گیری. با چشمان قلمبه، ابروهای شیب دار و لب و لوجه وارفته می پرسند: حالا چه کمر بندی گرفتی؟ با افتخار می گویی: مشکی!!

یعنی مهم و با ارزش شدی، قوی شدی، از این به بعد همه باید حواسشان را جمع کنند؛ چون با کوچک ترین حرکت اضافی، حساسی حالشان را می گیری!

باور کن سیاهی چادر هم همین کار کردها را دارد، با دهها قابلیت و توانایی دیگر! کسی جرأت نمی کند دنبالت راه بیفتد، متلک بگوید، ماشینها برایت بوق بزنند و تعارف کنند؛ چون شکوه و ابهت چادرت به همه می فهماند که تو مهم و با ارزشی و شرافت خود را فدای چند لحظه لبخند و شوخی های شیطانی آنان نمی نمایی. با چادر همه روی تو حساب ویژه باز می کنند و حساب کار دستشان می آید.



آسانسور

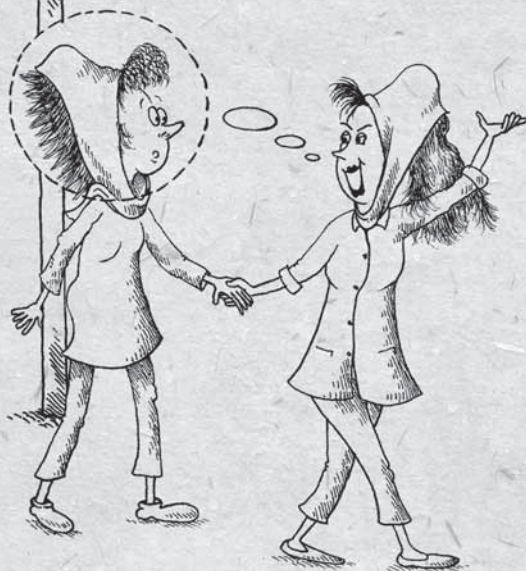
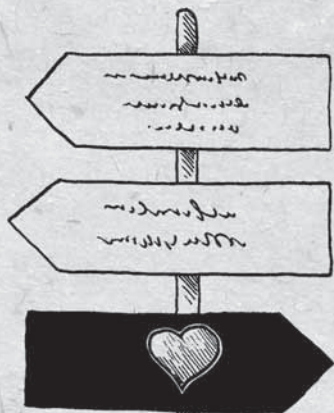
وقتی خسته از مدرسه و دانشگاه بر می گردید، با شنیدن خبر خرابی آسانسور و اینکه مجبورید پله های چند طبقه را بشمارید، آنقدر شل و وارفته می شوید که انگشتان دستتان تا زانوهایتان می رسد! ولی به هر حال عقل شما حاضر نیست خطر سقوط از آسانسور را به بهای چند دقیقه زودتر رسیدن به جان بخرد.

برخی از دوستان هم سن و سال با جملات سحرآمیز خود، به بهانه متفاوت بودن، یک بار تجربه کردن و مانند آن، انسان را به بیراهه هایی می کشانند که بازگشت از آن ناممکن یا از جهت آبرو و موقعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیار پرهزینه خواهد بود.

اینان همان کسانی هستند که هنگام خرابی آسانسور، رفتن با آن را به عنوان شجاعت فوق العاده و متفاوت بودن خود، انتخاب می کنند و با ترسو و بُزدل خواندن دیگران، برای آخرین بار سوار آسانسور می شوند!

متفاوت بودن به بهای سقوط شخصیت و شرافت و از بین بردن آبروی خود و خانواده.

امام علی علیه السلام نیز می فرمود: «هر که بی پروا دست به کاری زند، پشیمان شود»!



گل های کنار پارک ها و تفریح گاه ها اگرچه زیبا و خوشبو هستند، ولی چون مورد استفاده عمومی هستند و رایگان در اختیار همه قرار می گیرند، چندان به ارزش واقعی آنها توجه نمی شود. چه بسا رهگذری هم از آن گل خوش آب و رنگ خوشش بیاید و آن را از جا کنده، پس از بویدنی، گلبرگ هایش را با انگشتان زُمخت و بی رحمش از هم جدا کرده، به گوشه ای انداخته یا زیر پایش له نماید و پس از آن، به سراغ گل بعدی برود.

دختر هم گلی از بوستان محبت الهی است که او را چنین زیبا، مهربان و لطیف آفریده و به مردان دستور داده از او مراقبت کنند، تا دستان هوس رانان بی عاطفه، او را پرپر نکنند.

امام علی علیه السّلام فرمودند: «زن، گل است و لطیف، نه قهرمان و دلیر»^۱.

۱. «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ». نهج البلاغه، نامه ۳۱.



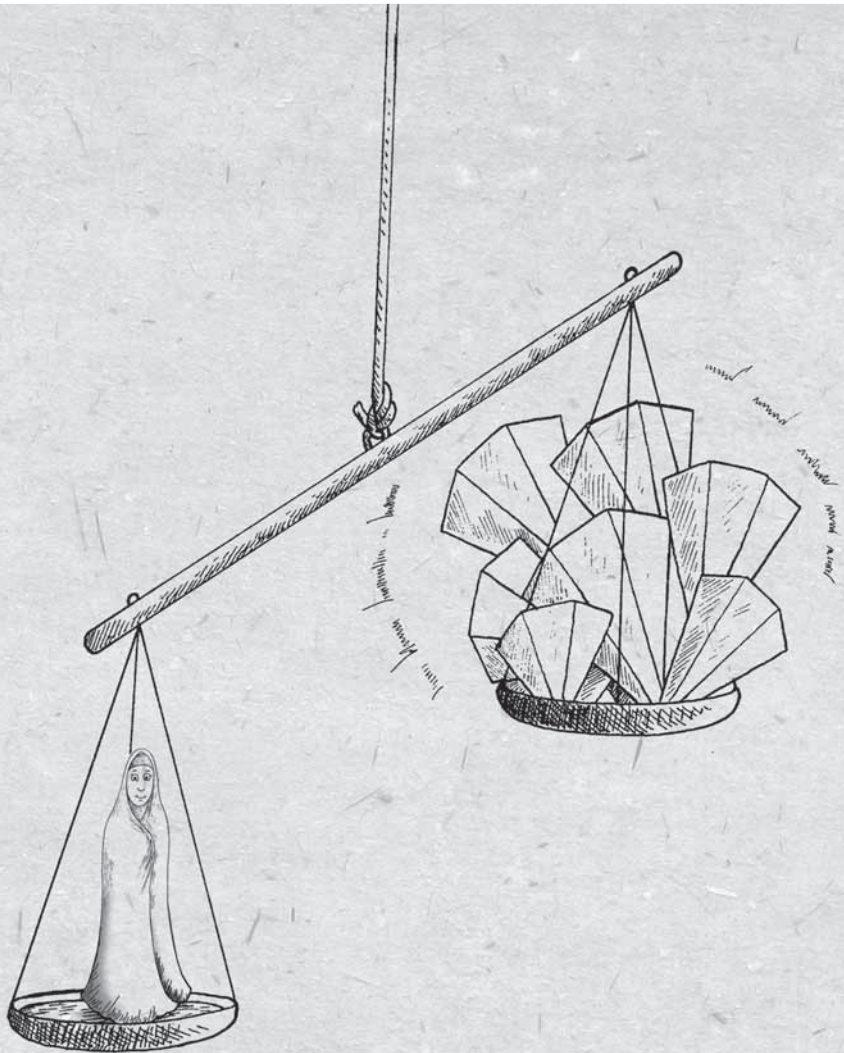
بعضی وقت ها آدمها الماسی در دست دارند، بعد چشمتان به یک گردو می افتد. همین که دولا می شوند تا گردو را بردارند، الماس تو شیب زمین می افتد، قل می خورد و تو عمق چاهی فرو می رود. چی می ماند؟ یک دهن باز، یک گردوی پوک و یک دنیا حسرت!

الماس که هیچ، تمام دنیا ارزش یک تار موی دختر را ندارد! دختر بسیار بیشتر از آنچه خودش هم تصور کند، ارزشمند و گرانبه است؛ به شرط آنکه بازیچهٔ این و آن نشود و جایگاه والایش را با هیچ و پوچ عوض ننماید. همانطور که حضرت علی (ع) می فرمود: «قیمت و بهای شما بهشت است، به کمتر از آن خود را نفروشید»^۱.

ای سرا پا الماس
از «حرامی» بهراس
قیمت خود مشکن
قدر خود را بشناس
قدر خود را بشناس^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۲. شاعر: وحیدی، به نقل از برای ریحانه، ص ۱۶۸.







دو: بلغور عشق

تا حالا روی نوشته های دیوارها دقت کردید؛ لطفا پارک نکنید! استقلال سرور پرسپولیس! پارک، مساوی با پنجری! لطفا آشغال نریزید! ل ع ن ت بر پدر و مادر کسی که اینجا آشغال بریزد و جمله هایی مانند آن. چه خوب بود برخی از همین جملات، مثلاً همین چند جمله آخر را روی قلبمان می نوشتیم و اجازه نمی دادیم هر کسی هر آشغالی دارد روی قلبمان بریزد، یا اگر خواست پارک کند، با یک نه قاطعانه، چارچرخش را پنجر می کردیم.

امام صادق(ع) چه زیبا فرمود: «قلب حرم خداست، در حرم خدا، غیر خدا راه مده»^۱.

۱. «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُشْكِن حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ». بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵.



ته دیگ سوخته!

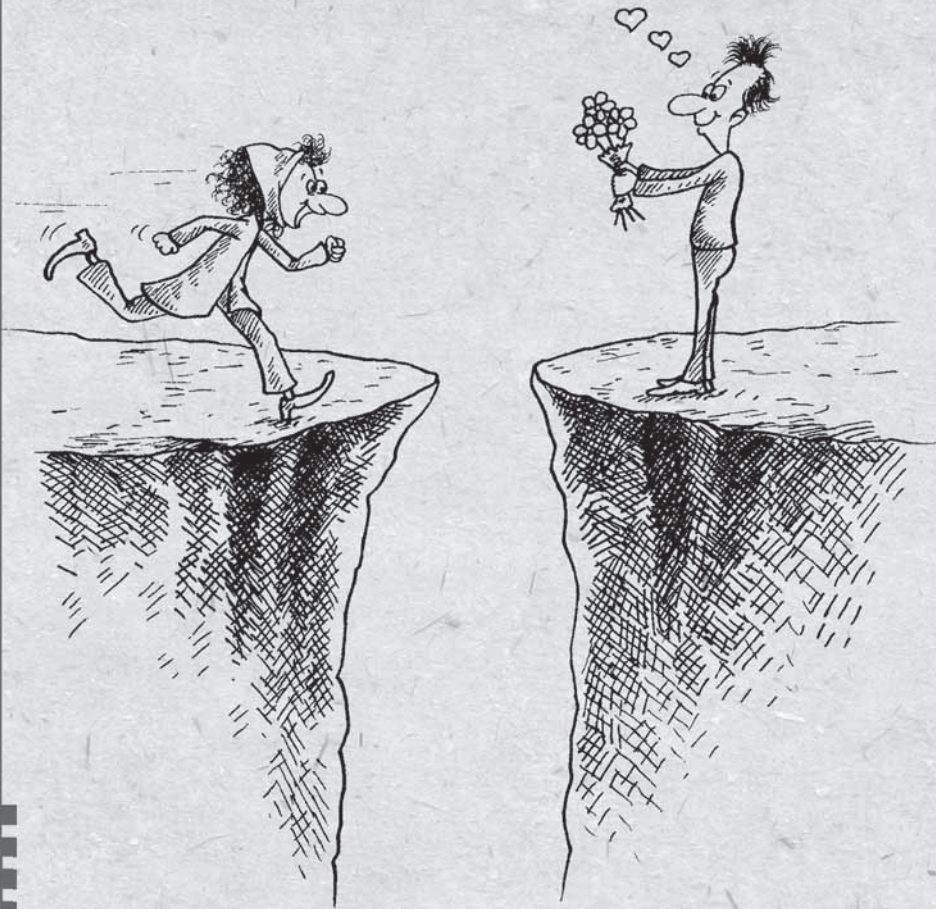
اصرار نداشته باش همه چیز را خودت تجربه کنی! با تجربهٔ برخی چیزها، نه تنها پخته تر نمی شوی، بلکه گاهی می سوزی و ته می گیری!

این قدر دربارهٔ رابطه با مردان و پسران، زودباور نباش و ساده نگیر. اینجا تجربه کردن مساوی است با سوختن. مثل خیلی ها از جنس تو که با اعتماد بیجا و ساده لوحانه به جنس مخالف، سوختن که هیچ، جزغاله شدند؛ هم خودشان، هم آبرویشان، هم آینده شان، هم خانواده شان.

شروع سوختن هم از یک «باشه» و «منم هستم» به ظاهر ساده، در پاسخ به دعوتی دوستانه برای شرکت در یک جشن و مهمانی به بهانهٔ تولد و دور هم بودن، درس خواندن مشترک، پر کردن اوقات فراغت، پشت پا زدن به سنت های قدیمی، کم نیاوردن پیش دوستان و مانند آن است.

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «عاقل کسی است که از دیگران پند گیرد»!

۱. «العاقِلُ مَنْ اتَّعَطَّ بِغَيْرِهِ». عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۷.



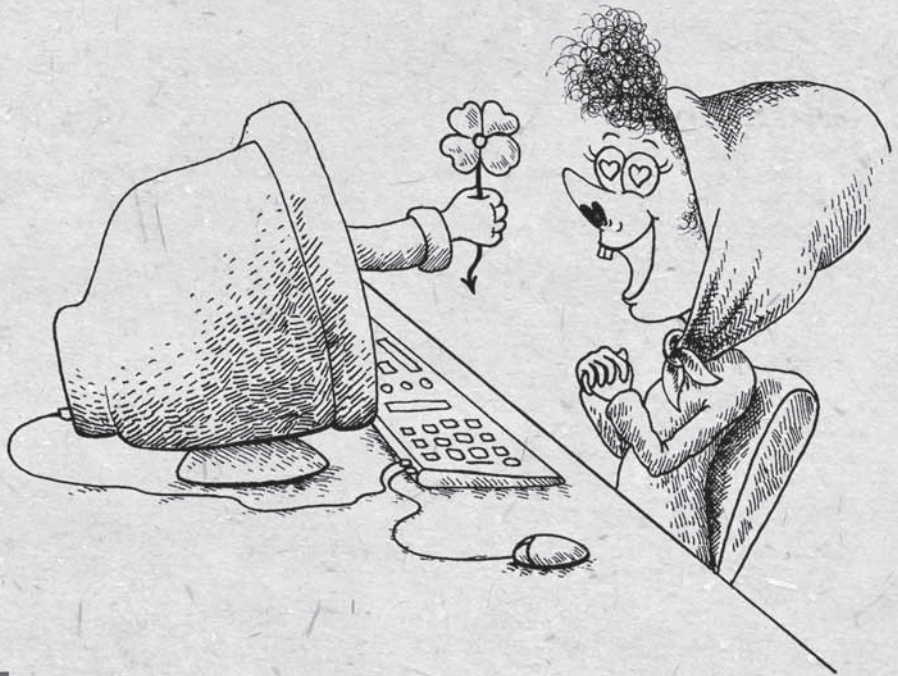
غلط گیر

وقتی هنگام نوشتن نامه یا مطلبی حساس، کلمه یا جمله ای را اشتباه می نویسیم، خیلی زود سراغ غلط گیر می رویم تا سیاهی اشتباه را با سفیدی غلط گیر محو کنیم.

تا به حال دقت کرده اید هزینه غلط گیری که برای پاک کردن اشتباه خود استفاده می کنیم، خیلی بیشتر از هزینه ای است که برای نوشتن آن اشتباه به کار برده ایم؛ مثلاً خود کار ۵۰۰ تومان و غلط گیر ۳۰۰۰ تومان؛ یعنی همیشه جبران اشتباه، هزینه اش بیشتر از خود اشتباه است! تازه اگر قابل جبران باشد. رابطه های مخفیانه و دوستی های قبل از ازدواج از طریق چت و پیامک، رابطه تلفنی، قرارهای حضوری و... از آن اشتباهاتی است که پاک کردن آن - به فرض که ممکن باشد - خیلی پر هزینه خواهد بود؛ چون اضطراب و احساس خطر پیوسته از فاش شدن اسرار گذشته، یا سوء استفاده احتمالی دوست گذشته (و دشمن فعلی)، خوشی زندگی آینده را ناخوش و کام زندگی جدید را تلخ می کند. تلخ ترین جای قصه اینجاست که هر دختری فکر می کند داستان او با دیگران متفاوت است و معمولاً با نیت ازدواج - که البته در ابتدا مورد تأکید حتمی پسران هم هست -، به چنین رابطه ای تن میدهد و با کمال تأسف، پس از مدتی، همان تراژدی غمناک برای او هم تکرار می شود. چند لحظه سرکشانه به صفحات حوادث سایتها و روزنامه ها، برای پذیرش این حقیقت تلخ، کافی است.

امام صادق(ع) هم می فرمود: «جمع کردن آبروی ریخته دشوار است»^۱.

۱. «إِذَا رَقَّ الْعِزُّ أَسْتَعْبَ جَمْعُهُ». میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۷.



سوزن و سوءظن

بدبینی و بددلی، فال بد زدن و زبان تلخ داشتن عادت خوبی نیست، ولی یکی از جاهایی که باید دختر بدبین باشد، در اعتماد کردن به دیگران، به ویژه جنس مخالف است. اینجا باید هم سوءظن و هم سوزن داشته باشی! سوءظن در اعتماد به او و سوزنی تیز برای حفظ فاصله بین خودت و یک نامحرم!

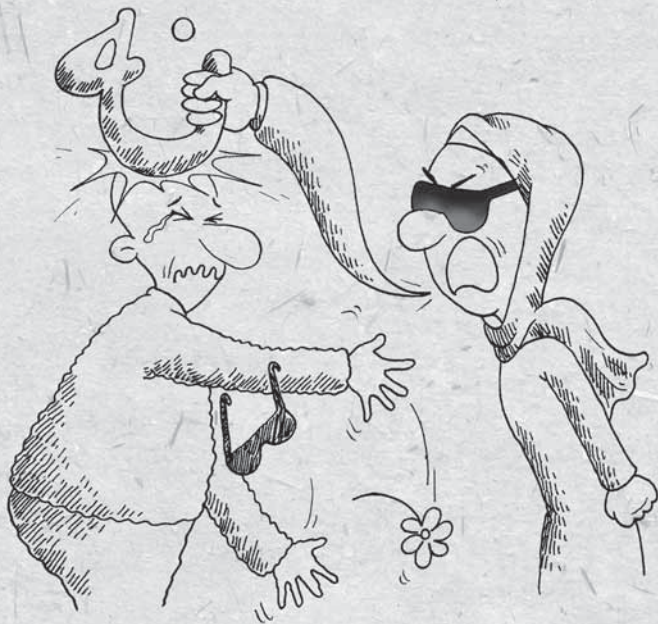
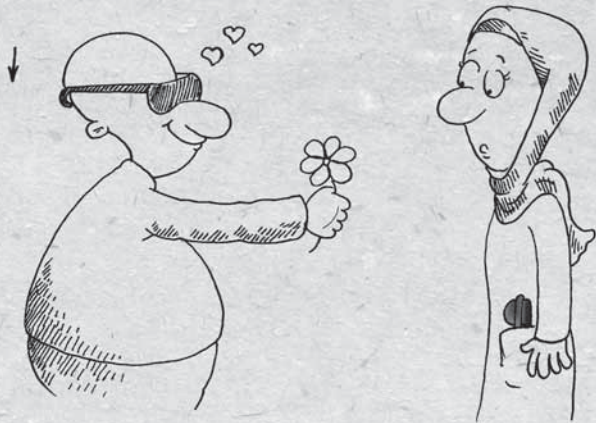
اینجا جایی است که باید عینک خوش بینی را از چشم هایت برداری و به تجربه دیگران احترام بگذاری، و گرنه خودت آینه تجربه دیگران خواهی شد.

در این رابطه ها، شاید شیشه عینک تو روشن و خوشبینانه باشد، ولی قطعاً عینک طرف مقابل دودی است، حتی اگر مقام اول زبان بازی و چرب زبانی را داشته باشد!

این همه فریب و نامردی، قتل و بی آبرو کردن دختران و زنان که امروزه صورت می گیرد، بر اثر همین سهل انگاری ها است که باعث تکرار مداوم این جمله شده است: بد زمانه ای شده!

به فرموده امام علی(ع): «هرگاه فساد بر روزگار و مردم آن حاکم شود و کسی به دیگری خوش بین باشد، خود را فریب داده است»^۱.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۵؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۷.

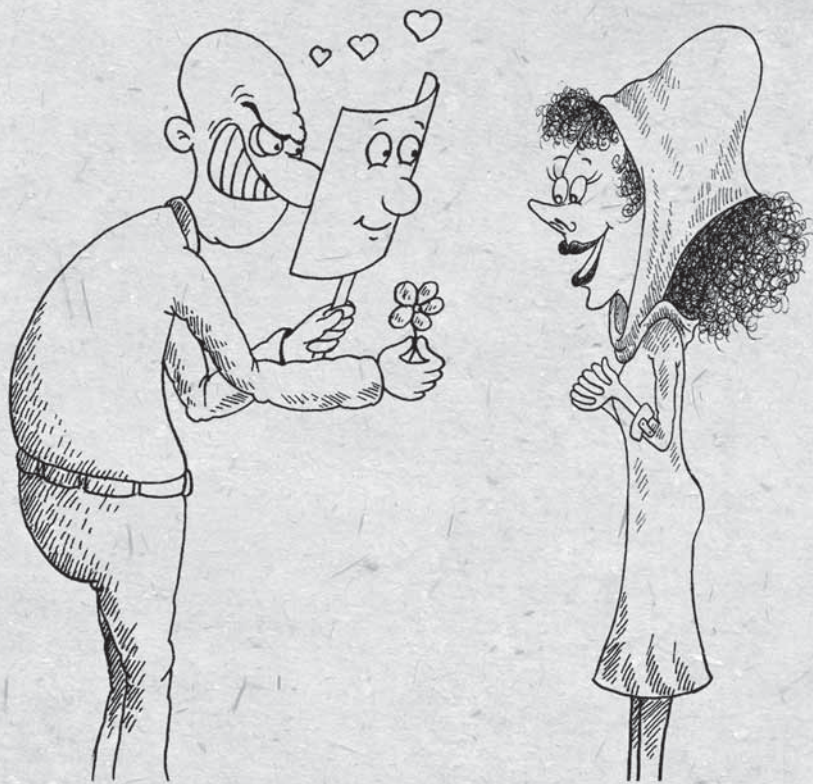


گاهی می خواهید بزرگی خودتان را به رُخ خانواده بکشید و به همه ثابت کنید که دیگر بزرگ شده اید و آماده زندگی! درست کردن املت، تخم مرغ آب پز، برنج شفته یا سوخته، آش با کیفیت بالا در حد استخر پراز آب، همراه با تعدادی نخود و لوبیا، و... همه نشانه های اولیه این بزرگی است! فقط مانده خرید که آن را هم امروز ثابت خواهید کرد.

هندوانه خوش آب و رنگی را - که با قسم های فروشنده یقین به خوب و شیرین بودنش پیدا کرده اید- خرید، خوشحال و شاد به سوی خانه حرکت می کنید. با ذوق و شوق فراوان وارد خانه می شوید و خیلی زود وسایل لازم برای ذبح شرعی هندوانه را آماده کرده، لحظاتی بعد در حضور همگان، با شکاف عمیقی که در دل هندوانه پدید می آید، هر قسمت آن به یک طرف پرتاب می شود... بی گمان، در این لحظه تاریخی، قرمزی گوشها و لپهای شما بیشتر از قرمزی هندوانه است! پس از چند ثانیه، انگشتان خود را که چند سانتی در اعماق صورت شما پیشروی کرده اند را بیرون کشیده، می گوئید: وای! چقدر ضایع! کاش لااقل خیار یا حتی کدو می خریدم.

هندوانه به این بزرگی و خوشگلی، درونش چه قدر زشت و بی مزه!

از ظاهر آدم ها هم نمی توان به واقعیت و نیت درونی آنان پی برد؛ چه بسا پسران و مردانی که با ظاهر سازی، لفاظی و دهها قسم دروغ، آدم را فریب می دهند.



دختر، شاهکار آفرینش، سرشار عاطفه و سرچشمه جوشان مهر و محبت است. بعضی از پسران با سوء استفاده از این موهبت خداوندی، با چاشینی عاطفه و محبت سعی در فریب دختران دارند و آنها هم بی خبر از همه جا، این لفاظی ها و بلغور کردن جملات عاشقانه و محبت آمیز - که با هنرمندی تمام، کنار هم ردیف می شوند- را باور می کنند.

حیله گری های روباه و اشک های تمساح بیچاره کجا و جملات عشقولانه و بلغور کردن جملات آتشین این کام جویان دیو سیرت، در پس نقاب مهربانی و عشق، کجا! آنان برای صید شکارشان، از فریب و اشک برای به دام انداختن و گرفتن جان شکارشان استفاده می کنند، اینگونه پسران هم برای گرفتن عصمت و عفت دختران، از هر دو حربه استفاده می کنند: «فدایت شوم» و «برایت می میرم» و «اگر تو نباشی من هیچم» و...؛ با کمی چاشنی قهر، آه و اشک فریب و گاه تهدید و تحقیر. حال از کجا می توان راست و دروغ حرفشان را فهمید؟!

جواب خیلی ساده است. اگر کسی به شما ابراز علاقه و محبت شدید کرد، ولی صحبت ها، رفتارها و درخواست هایش عبور از خطوط قرمز شرعی است و شما برای ادامه ارتباط مجبورید به گناه بیفتید، بدانید که او شیادی پر فریب است؛ چون اگر کسی برای وصال حاضر باشد رضایت و بندگی خدا را رها کند، این عشق ناب نیست، هوس شیطانی است. عشق ناب، حقیقی و صادفانه، تنها در راستای عشق به خدا معنا پیدا می کند. کسی که حاضر است خدا را کنار بگذارد تا به شما برسد، مطمئن باشید برای رسیدن به فرد دیگری، شما را هم رها خواهد کرد.

این فرمول، فرمایش حضرت علی علیه السلام است که می فرماید: «کسی که در دینش ثابت نیست، چگونه می تواند در امور دیگر ثابت باشد؟»^۱ و چه زیبا گفته شاعر:

ای کاش که معشوق ز عاشق طلب جان می کرد

تا که هر بی سر و پای نشود بار کسی

«افراد با ایمان، عشقشان به خدا از هر چیز دیگری بیشتر است»^۲.

۱. «کیف یستقیم من لم یتقیم دینه». عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۸۳؛ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۷۵.

ممنون
ممنون

ممنون

ممنون

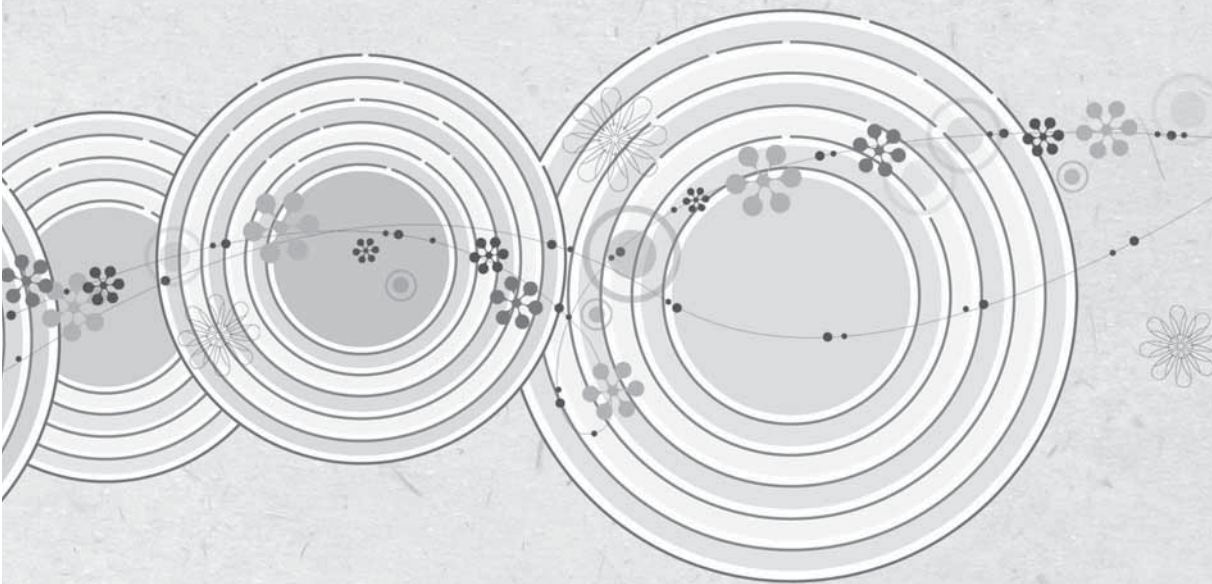
ممنون

ممنون
ممنون

ممنون

ممنون

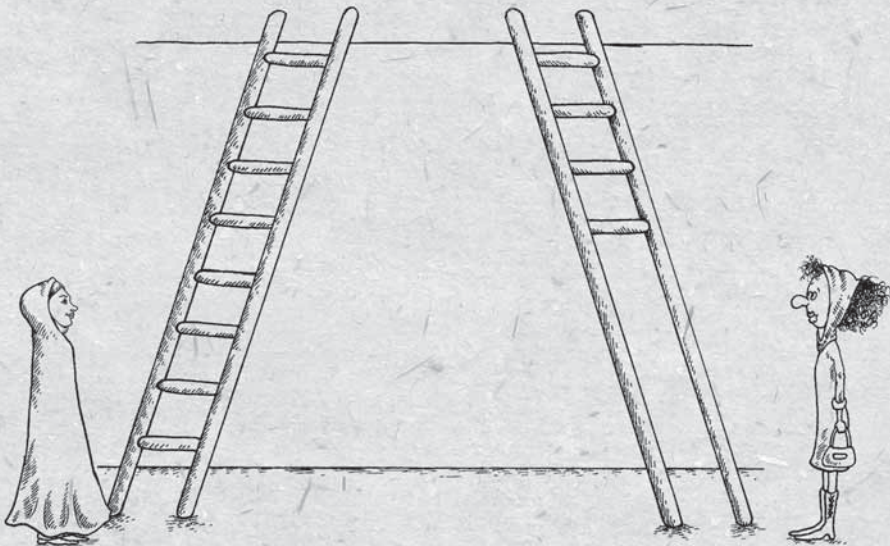




سه: غُر و لُند

تریپ مشکی!

به یکی گفتن بابات مُرد! گفت آخ جون! تریپ لباس مشکی و عینک دودی!!
جای تعجب است که رنگ مشکی در هر جایی - مثل ماشین دیپلمات ها، لباس راهبه ها، لباس قضات و وکلا و...- که استفاده می شود، نشانه با کلاس بودن است، اصلاً رنگ عشق است، ولی وقتی به چادر می رسند می گویند اُمَل و عقب مانده و باعث افسردگی!!
می دانید چرا؟ چون مشکی بودن چادر، مخالف هوسرانی آنان و نشان دهنده ارتباط تو با خداست. نشان دهنده یک تفکر و شخصیتی مستحکم است که با آمیزه ای از فکر و ایمان، حجاب برتر را انتخاب کرده و تحت تأثیر القائات و صحبت های این و آن واقع نمی گردد. تو با چادر پیام معنویت، شرافت، شوکت و شخصیت می دهی. با صدای بلند اعلام می کنی که من کمبودی ندارم که بخوام با ظاهر سازی آن را جبران کنم و شخصیت متزلزل خود را پشت عینک دودی و با تیپ های آن چنانی مخفی کنم! آری، کسی که زیبایی اندیشه دارد، زیبایی ظاهر خود را به نمایش نمی گذارد.



نیش و کنایه!

گاهی به خاطر نیش و کنایه های دیگران و چه بسا برای بستن دهان آنان، خود را مجبور به انجام کارهایی می کنیم که قبول نداریم و وجدان درد، روح و روان ما را می خراشد؛ آرایش و خودنمایی، خنده و شوخی، تماس بدنی، لباس های نامناسب، پوشش نصف و نیمه و مانند آن، فقط برای هم رنگی و خوش آمد دیگران، به قیمت احساس گناه، کاستن از ارزش خود، کاهش آرامش، و نارضایتی خدا و اهل بیت (ع).

بالاخره یک روز انسان از بی هویتی خود، از بازیچه دست دیگران بودن و فدا نمودن زندگی خود به خاطر دیگران، خسته شده، متوجه می شود که نباید خوشی و آرامش زندگی و نیز اصول و باورهای دینی خود را، خرج شادی و خوشی دیگران نماید؛ آنهایی که هیچ وقت هم راضی نمی شوند.

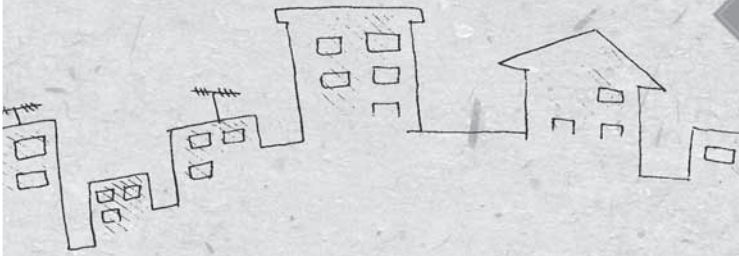
بهرتر است نقش بازی نکنیم، و گرنه باید متناسب با کوک دست و نگاه دیگران، هر روز شکل جدیدی از گناه را تجربه کنیم.

به قول امام صادق علیه السلام: «مردم هرگز راضی نمی شوند و دهانشان بسته نمی گردد، همانطور که پیامبران، خوبان و فرستادگان الهی هم از شر زبان مردم در امان نبودند»^۱.

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۱۶۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۹۳.



کوه و کلنگ!



تا به حال دقت کرده اید که زنان و دختران تازه مسلمان، به شدت به رعایت حجاب پایبندند و از بسیاری از زنان و دخترانی که در کوچه و خیابان می بینیم، باحجاب ترند؟

چون آنان از روی فکر و تحقیق به این نتیجه رسیده اند که حجاب برای یک زن از هر جهت بهتر است؛ لذا به هیچ قیمتی از آن کوتاه نمی آیند.

ولی برخی زنان و دختران کشور ما به بهانه آزادی، فشارها و سخت گیری های پدر و مادر، لبخندها و تمسخرهای اطرافیان، بدعنتی و بدرفتاری برخی دینداران و... حجاب از سر می گیرند و در اولین فرصت، تغییرات و تعمیرات اساسی! در تیپ خود ایجاد می کنند. چرا؟ چون آنان به جای رسیدن، همواره پرسیده اند و شنیده اند؛ در حالی که اگر به جای پرسیدن، از عمق جان به چرایی حجاب می رسیدند، همچون کوه استوار، هیچ گردباد و طوفانی یارای مقابله با آنها را نداشت.

امام صادق(ع) فرمود: «مؤمن از کوه محکمتر و پیر صلابت تر است، چرا که بخشی از کوه ممکن است با کلنگ ها کمی تراشیده شود، ولی هرگز چیزی از دین مؤمن کنده نمی شود.»!



وقتی موقع خرید، جنسی زیبا و لوکس چشم ما را به خود خیره می کند، حاضریم هزینه اضافی، گلایه های احتمالی پدر و مادر، کنایه ها و نگاه های چپ چپ اطرافیان را به جان بخیریم، چون می دانیم بهای چه چیز ارزشمندی را می پردازیم.

به راستی برای ایمان خودمان چقدر حاضریم هزینه کنیم و چه قدر توان روحی برای آن کنار گذاشته ایم؟ آیا برای جلب رضایت و محبت خدا و امام زمان علیه السلام، مخالفت ها، کنایه ها، مسخره کردن ها، تشرها و کم محلی های خانواده و دوستان و آشنایان را به جان می خریم، یا مثل خیلی ها با شنیدن دو کلمه اَمَل، بی کلاس و دگم، هم رنگ جماعت شده و شعار «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» سر می دهیم؟! در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

خداوند از آدم های باصلابت و استوار که هیچ چیز آنان را از مبانی دینی و ارزش های اسلامی، به سوی هم رنگی با جماعت مدپرست و دنیاپرستان رنگارنگ وادار نمی سازد، خیلی خوشش می آید، به همین خاطر این مجاهده و نبرد را نشانه دوستی با خود دانسته، می فرماید: دوستی و عشق دو طرفه ای بین خدا و این گونه انسان های دارای ثبات شخصیت وجود دارد، زیرا اینان، «در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش ملامت گران، هراس ندارند»^۱

۱. «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند». سورة مائده، آیه ۴۰.

۲. «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ». همان آیه.

هنگام خرید لباس، وسواس زیادی به خرج می دهید تا لباسی را انتخاب کنید که هم با چهره تناسب داشته باشد، هم رنگش با کفش و روسری و گیره و بقیه وسایل ست باشد.

اینکه برای لباس ظاهر خود تا این حد وقت می گذارید و با دقت نظر انتخاب می کنید بد نیست، چون یک دختر مسلمان- با رعایت حدود شرعی- باید ظاهری آراسته و تمیز داشته باشد.

خداوند هم دو دست لباس زیبا برای باطن انسانها دوخته و بر قامت رعناي آنان افکنده است، تا همیشه همراه آنان باشد؛ یکی لباس تقوا برای همه زنان و مردان؛^۱ یکی هم لباس حیا که بیشتر متناسب قامت زنان و دختران است و باعث جذابیت و زیبایی بیشتر آنان خواهد شد.

امام علی(ع) درباره این لباس معنوی فرمود: «هرکس که لباس حیا او را ببوشاند، مردم عیب او را نخواهند دید».^۲

۱. «یا بنی آدم قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيْشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ؛ فرزندان آدم! همانا بر شما لباسی فرو فرستادیم تا هم نشانی (برهنگی) شما را ببوشاند و هم باعث زیبایی شما باشد؛ و البته لباس تقوا بهتر است». سوره اعراف، آیه ۳۶.

۲. پیامبر اعظم(ص) فرمود: «الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْرَاءُ فَتَسَعُّهُ فِي النَّسَاءِ وَ وَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ؛ حیا ده جز دارد، نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان». کنزالعمال، ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۵۷۶۹.

۳. «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوَبَّهْ لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ». نهج البلاغه، حکمت ۲۲۳.





چهار: دماغ سوخته



گلاب به روتون

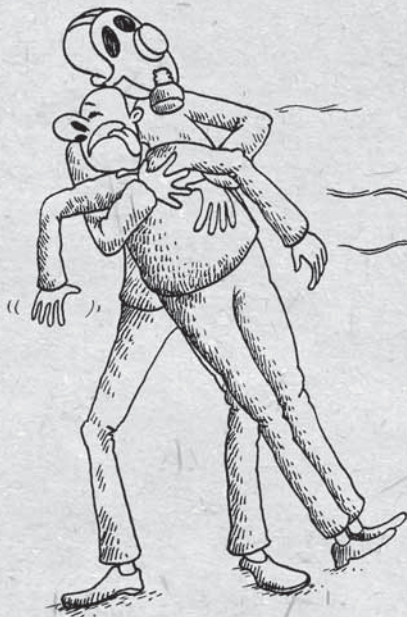
امروزه خوشبو کننده های فراوانی در انواع رنگ ها، عطرها و مدل های زنانه و مردانه در دسترس قرار دارند؛ از خوشبو کننده های گلاب به روتون گرفته، تا اسپری های خوشبو کننده فضا، بدن، لباس، اسپری ضد تعریق و ده ها نوع دیگر.

کاربرد همه آنها برطرف کردن بوهای نامطبوع است تا مخاطب ما حس مثبتی یافته، مجبور نشود نوک دماغش را با انواع گیره های فلزی، پلاستیکی یا گوشتی (انگستان دست)، بگیرد، یا به بهانه ای از حضور معطر ما مرخص شود.

همانطور که جسم ما نیاز به معطر شدن دارد، روح ما هم برای فرار از رسوایی بوی متعفن گناه و معصیت - که افراد پاک و روشن ضمیر آن را به راحتی استشمام می کنند- نیازمند اسپری استغفار است.

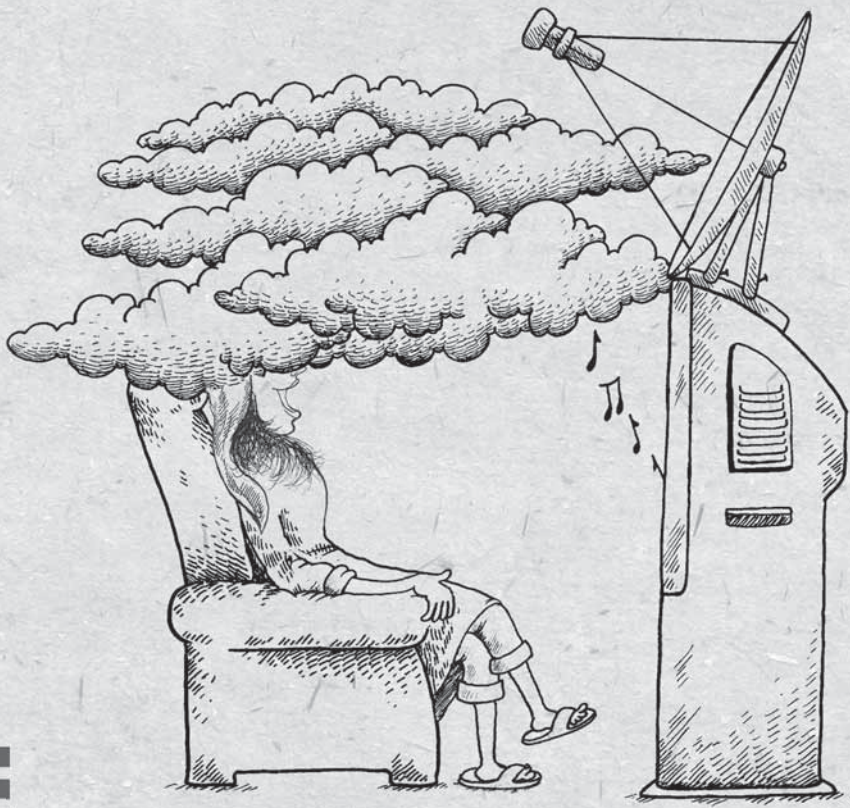
امام علی علیه السلام چه زیبا می فرماید: «خود را با استغفار معطر کنید، تا بوی بد گناه، شما را رسوا نکند»^۱.

۱. «تَعَطَّرُوا بِالِاسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحَنَّكُمْ زَوَائِحُ الدُّنْيَا». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۰؛ بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۷۸.



رقص غبارها

امروزه زیاد می شنویم که ریزگردهای هوا نفس کشیدن را برای انسان دشوار می کنند؛ ریزگردهای گناه هم، نفس کشیدن معنوی را سخت می کنند، ایمان را به سرفه می اندازند و تقوا و پاکدامنی را در آستانه مرز هشدار قرار می دهند؛ حضور در مجلس گناه، همنشینی با افراد بی بند و بار، بدحجابی، بی اعتنایی به احکام شرعی، نشستن پای ماهواره و... غبار گناه را روی دل می نشاند و به تدریج باعث تیرگی و قساوت دل و بی حالی و بی رغبتی نسبت به مسائل دینی می شود.



بعضی ها به قول خودشان با خدا قهر می کنند و به این بهانه، وظایف دینی را کلاً بی خیال می شوند. از نماز گرفته تا حجاب... حتی برای اینکه حال گیری کنند، مقداری از موها را بیرون می ریزند، آرایشی می کنند و حتی لبخند تلخی هم برای نامحرم می زنند و بعد زیر چشمی به آسمان نگاه می کنند!

البته خیلی زود سرشان را پایین می آورند، چون می دانند مرتکب چه اشتباهی شده اند، خجالت می کشند!! لجبازی، اونم با خدا!!

مثلاً اگر روی خودت را از خورشید برگردانی، نور خورشید کم می شود، یا اصلاً شاید هم فکر می کنی از غصه تو دیگر طلوع نمی کند! خودت را از روشنایی زیبایی محروم می کنی که چه؟

شکست عاطفی، مستجاب نشدن دعا، مشکلات درسی، اقتصادی، خانوادگی و مانند آن، انسان را به قهر می کشاند.

راستی اگر او هم با یکی دو بار نه شنیدن - که چندین بار در روز با ارتکاب گناه به خدا می گوئیم - با ما قهر می کرد، چه اتفاقی می افتاد؟

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «بپرهیز از اینکه خود را برای دیگران بیارائی و به وسیله گناهان، با خدا به ستیز برخیزی، که خدا روز قیامت تو را رسوا خواهد کرد».^۱

۱. «يَا أَيُّهَا أَنْ تَتَزَيَّنَ لِلنَّاسِ وَ تَبَارِزَ اللّٰهَ بِالْمَعَاصِي فَيَفْضَحَكَ اللّٰهُ يَوْمَ تَلْقَاهُ». امالی شیخ صدوق، ص ۲۷۸؛ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۶۴.



مورچه چپ کرده!

گاهی ایجاد تنوع در زندگی لازم است. تغییر دکوراسیون اتاق، نحوه چینش کتاب ها و وسائل شخصی و مانند آن.

یکی از لذت های خاطره انگیز هنگام جابجایی، کشف انواع و اقسام یادگاری های ریز و درشت از گوشه و کنار اتاق است. از مداد و خودکار نصفه و پاره های یک نوشته قدیمی گرفته، تا خاک های کیلویی، سوسک مرده، مگس وارفته، مورچه چپ کرده و خلاصه هر چه که فکرش را نمی کردید و گاه برای یافتن آن، همه خانه را زیر و رو کرده بودید.

راستی تو دل ما چه قدر از این آشغال ها، سوسک مرده ها، مورچه های چپ کرده و مانند آن است که شاید ماه ها بگذرد و به فکر تمیز کردن آن نیفتیم؟! پس بجنید، بله! همین الان ترانه های مبتذل، تصاویر و فیلم های نامناسب و... را از گوشی و لب تاپ و کامپیوتر فرمت کنیم و بیرون بریزیم؛ چون تمیز کردن زود به زود هم زحمت کمتری دارد و هم از سیاهی و انباشته شدن آن جلوگیری می کند.

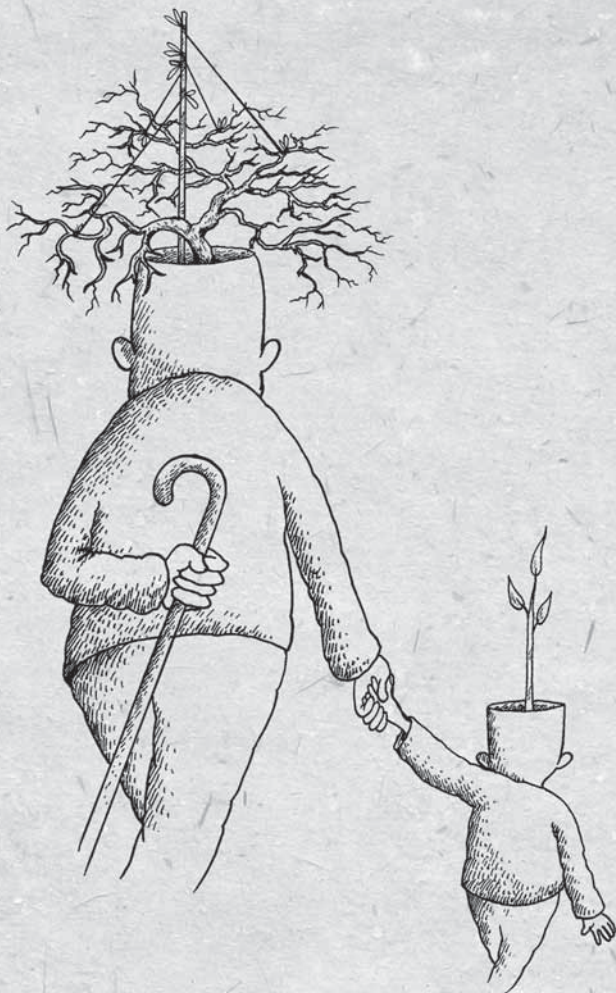
امام صادق(ع) هم شیعیان را به جارو کشی دل از گناهان روزمره به صورت مرتب و فوری سفارش کرده، فرمودند: «وقتی انسان گناهی مرتکب می شود، نقطه سیاهی در دلش پیدا می شود؛ اگر توبه کند، آن نقطه پاک می شود و اگر باز هم گناه کند، نقطه بزرگتر می شود؛ تا جایی که همه وجودش را فرا می گیرد و هرگز رستگار نمی شود و برای همیشه شقاوتمند است!»^۱



دیوار کج!

برخی نهال‌ها وقتی کج می‌شوند با یک چوب کوچک یا یک نخ معمولی آن را صاف می‌کنند، اما درخت بزرگی مانند چنار را نمی‌توان صاف کرد.

انسان هم باید از سن نوجوانی و جوانی بدی‌ها و کجی‌های فکری و رفتاری وجودش را صاف کند، وگرنه در بزرگسالی اصلاح آن ناممکن است؛ خیلی زشت است مثل برخی از این فیلم‌های ساخت ترکیه و عرب‌ها، دختر در جوانی بی‌حجاب و آزاد باشد و وقتی پیر و زوار در رفته شد، محجبه و مؤمنه!! مگر اینکه از خدا امضا گرفته باشد که حتماً تا آن زمان زنده بماند و روش زندگی را هم تغییر دهد، چون کم اتفاق می‌افتد که انسان یک عمر به گونه‌ای زندگی کند و در بعد در پیری به کلی متحول شود؛ آنهایی هم که متحول شدند، نمونه‌های انگشت شماری بودند تا انسان به گناه یأس از اصلاح و بازگشت مبتلا نشود.



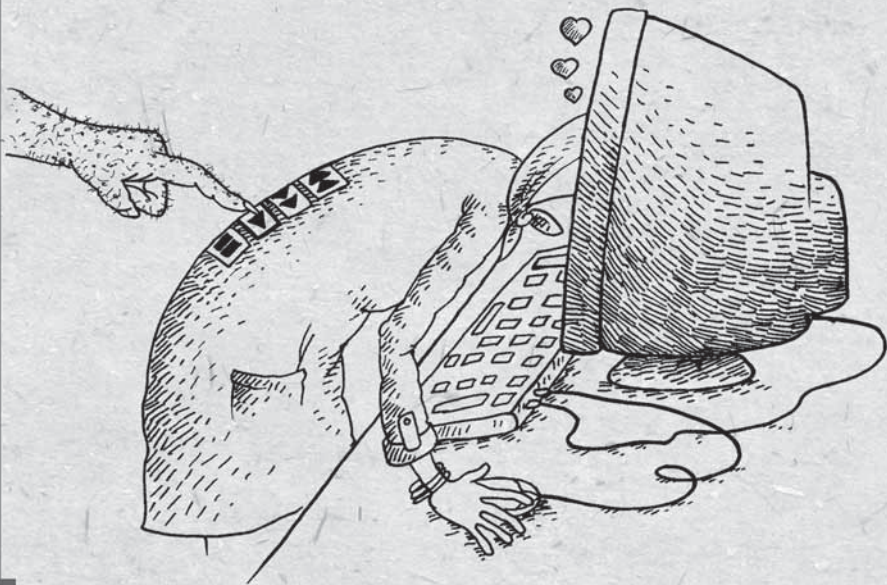
خوش اشتها

اگر بهترین و لذیذترین غذاها را هم جلوی بیمار بگذارند، با بی میلی و بی رغبتی آن را کنار می زند؛ زیرا حس خوبی نسبت به این غذاها ندارد و اشتهای خود را از دست داده است.

انسان هم خیلی وقت ها از عبادت لذت نمی برد، حال نماز و دعا ندارد. گویا اشتهای معنوی او کور و کلافگی، بی حوصلگی، بدبینی و دودلی جایگزین آن شده است. دیگر از آن حس و حال خوش خلوت با خدا، لحظه های معنوی قرائت قرآن، دقایق شیرین درد و دل کردن ها و عقده گشایی ها و نیز ثنیه های آرام بخش نجوای شبانه خبری نیست. او حتی نسبت به افراد مذهبی و دیندار نیز حس مثبت گذشته را از دست داده است. چرا؟ چون آن قدر فکر و ذهن را مشغول غیر خدا و رفتارهای آلوده و گناه کرده که نمی تواند از معنویات لذت ببرد.

وقتی کسی ساعت ها پای ماهواره می نشیند و هرچه گفتند و بافتند، او دید و شنید و لذت برد، ساعت ها سرکشی به تصاویر اینترنت برای رفع خستگی! گاهی هم پت کردنی از باب تفریح و رفع کسالت، خنده و شوخی با نامحرم در محیط کار، دانشگاه و مدرسه، پیامک های آن چنانی، گوش دادن به موسیقی حرام به بهانه شاد بودن و آرامش و...

بعد هم انتظار دارد حال نماز و عبادت داشته باشد و نسبت به عفت و حجاب خود هم پایبند باشد؟!



دماغ سوخته!

بیشتر ما وقتی از کسی ضد حال می‌خوریم، منتظر فرصتی هستیم تا با یافتن نقطهٔ ضعفش، تلافی کرده، او را ضایع کنیم. لبخندهای تلخ و نگاه مغرورانه اش، سوزش این ضایع شدن را بیشتر می‌کند، به ویژه وقتی از او می‌شنویم: حَقَّتْ بود، بچه پر رو! خودت خواستی!

اینها همه برای یک اتفاق کوچک، یک فریب خوردن یا ضایع شدن ساده است که فراموش کردن آن سخت به نظر می‌آید و انسان تا مدت‌ها سنگینی روانی آن را روی دوش خود، احساس می‌کند.

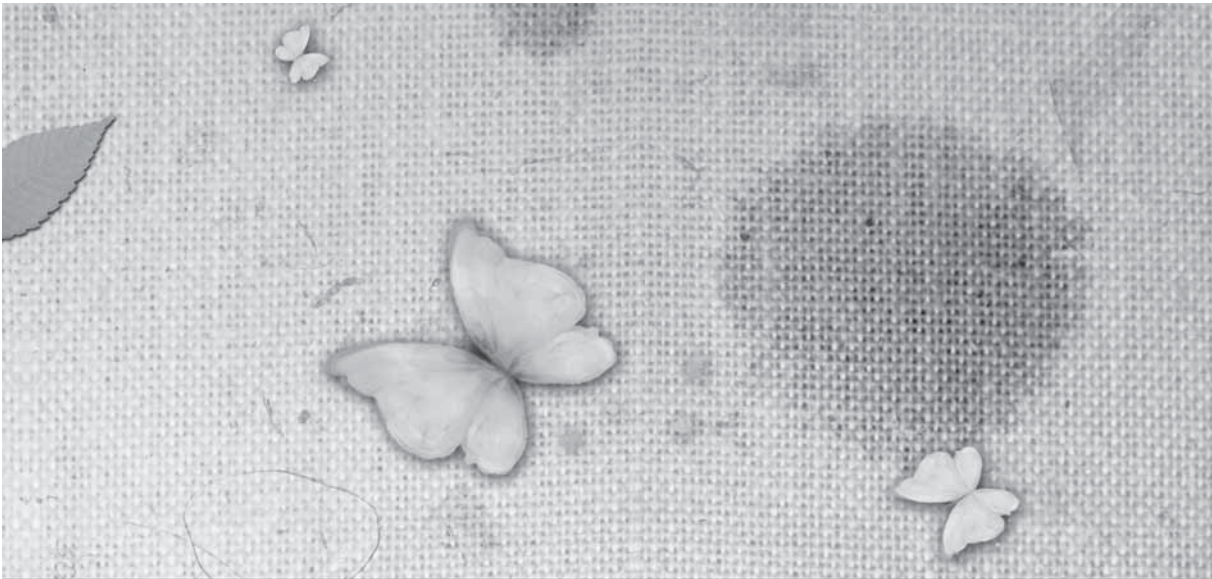
تاکنون از خود پرسیده ایم که چرا این همه از شیطان ضد حال می‌خوریم، ولی ککمان نمی‌گزد. او هم وقتی ما را پشت سر هم ضایع می‌کند، می‌گوید: به من چه! می‌خواستی قبول نکنی!

یک راه ساده برای ضایع کردن شیطان، به نقل از امام زمان علیه السلام: «بهترین چیز برای به خاک مالیدن بینی شیطان، نماز است، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال».^۲

۱. اگر دوست داشتید آیه ۲۲ سوره ابراهیم را نگاه کنید.

۲. «فَمَا أَرْعَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بَشِيءًا أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا وَارْعَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ». کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۵۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۶.







رخ مهتاب...



از جنس بهشت

دختر، آفریده ای بهشتی است که باید پس از مدتی زندگی در دنیا، به جایگاه اصلی خود بازگردد؛ به همین دلیل دختر با ایمان و تقوا، بوی بهشت می دهد؛ همانگونه که پیامبر اعظم (ص) می فرمود: «هر زمان مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترم فاطمه (س) را می بویم و بوی بهشت را از او استشمام می کنم»^۱.

امروزه بدخواهان دختران و زنان، با نقاب آزادی، پیشرفت و تمدن، تساوی حقوق زن و مرد و... در حال ارسال پیام های شیطانی خود از طریق برنامه های ماهواره ای هستند، تا با رواج بی حجابی، بی حیایی و دوری از عفت و پاکدامنی، عطر بهشتی آنان را تبدیل به بوی تعفن گناه، بی حجابی، بی حیایی و بی عفتی نمایند.

۱. «كَلِمَا اسْتَنْقَتْ اِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ سَمِمَتْ رَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (س)». عیون اخبار الرضاع (ع)، ج ۲، ص ۱۰۷.



مادر هستی

مادر یعنی ریشه و اساس انسان که اگر او نبود، وجود انسان معنا نداشت. حضرت زهرا(س) هم مادر هستی است، یعنی این بانوی گران قدر، ریشه و اساس آفرینش بوده و دنیا به گل روی او آفریده شده است. همانطور که خداوند فرمود: «ای پیامبر! اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم و اگر علی(ع) نبود، تو را نمی آفریدم؛ و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را نمی آفریدم»^۱.

به تعبیر ساده تر، خداوند اساس هستی و آفرینش را بر پایه وجود مبارک دختری بهشتی، بانوی مهتاب و مادر عصمت و پاکدامنی بنا نهاده است، تا همگان با ارزش و جایگاه یک زن حقیقی، با ایمان، عقیف و پاکدامن آشنا گردند و بدانند که آن حضرت نه تنها در پوششش و حجاب، بلکه آینه ای تمام نما از یک زن آرمانی در تمام ابعاد زندگی سعادت‌مندانه و الگویی جامع و کامل برای تمام نسل‌ها، فرهنگ‌ها و زمان‌هاست؛ تا جایی که فرزندش مهدی موعود امام زمان(عج) هم، مادرش فاطمه

۱. «لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لو فاطمه لما خلقتکم». مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۱۶۹.

زهرا(س) را اسوه شایسته زندگی
خود معرفی نموده و می فرماید:
«دختر رسول خدا، برای من
الگوی شایسته است»!

۱. «فی ابنته رسول الله لی أسوة حسنة». الغیبه، شیخ
طوسی، ص ۲۸۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

حیای دخترانه!

دختر، تجلی‌گاه زیبایی‌های الهی است؛ صورت معصوم، چشمان نکته‌سنج، اندام ظریف و از این مهم‌تر، عفت و حیا و افتادگی نگاهش، خرامان راه رفتن و وقار زیبای او و هر کلام و حرکتش، سرشار از چنان جذابیّت سحرآمیزی است که هر مرد خشن و بی‌احساسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛^۱ از این رو اسلام برای حفاظت از زن و مصون ماندن او از دست درازی مردان، هرگونه خودنمایی، آرایش و بدحجابی را ممنوع کرده است تا بددلان در او طمع نکنند^۲ و آرامش و امنیت او به خطر نیفتد.

مفهوم این سخن، زندانی کردن و مخفی کردن زنان در خانه و جلوگیری از حضور آنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و تحصیلی و علم‌آموزی نیست. آنچه مطرح است، پرهیز از حضور

۱. جوانان و ازدواج، ص ۳ و ۴.

۲. قرآن می‌فرماید: «فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمع پیدا کند.» (سورة احزاب، آیه ۳۲).

غیرضروری در کوچه و بازار، ویترونی شدن، پوشیدن لباس های زننده و تحریک آمیز، استفاده از عطر در کوچه و خیابان، آرایش و بزک کردن، شوخی های جلف، حرف زدن با عشوه و نازک کردن صدا، طرز نشستن نامناسب و دور از شأن و مواردی مانند آن است؛ و گرنه از نگاه زیبایی دین، نه زن زندانی است و نه حجاب قفس! همانگونه که حضرت زهرا(س) به عنوان الگوی جاودانه دختران و زنان، در کمال معنویت و رعایت حریم محرم و نامحرم، در همه ابعاد زندگی نقش آفرین بودند، ولی همواره بر یک نکته تأکید ویژه داشتند: «زن نباید در معرض باشد و به جای نگاه به شخصیت او، به جنسیت و زیبایی های خدادادی اش نگرسته شود»؛ از این رو می فرمود: «برای زنان بهتر آن است که مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز آنان را ننگرند»^۱.

۱. «خیر للنساء أن لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال». بحار الانوار، ص ۲۶۷.



بسیاری از دختران و بانوان می پرسند: مشخصات یک حجاب اسلامی چیست؛ یعنی با چه ملاک هایی می توان به یک تعریف روشن از پوشش اسلامی دست پیدا کرد و دانست که پوشش انتخابی آنان، در کدام رتبه از حجاب است؛ حجاب کامل، پوشش متوسط یا بدحجاب.

قبل از پرداختن به پاسخ، یادآوری سه نکته ضروری است:

الف: نمایان بودن موهای سر، استفاده از عطر و ادکلن نزد نامحرم، پیدا بودن گوش و گردن و نمایان بودن دستها از مچ به بالا، از جمله مسائلی است که حرام بودن آن روشن بوده، پوشاندن این قسمت ها از نامحرم، لازم است.

ب: اگرچه دختران و بانوان در منزل و نزد محارمی مانند پدر و برادر، دایی و عمو، خواهرزاده و برادرزاده، از آزادی بیشتری در انتخاب پوشش برخوردارند، ولی این راحتی به معنای سهل انگاری و راحتی بیش از اندازه و انتخاب هر پوششی نیست، بلکه آزادی در نپوشاندن موضعی مانند موی سر، دست ها و جاهایی است که به طور معمول (چیزی شبیه پوشش مردان) پوشانده نمی شود.

ج: شوهرخواهر، شوهر خاله، شوهر عمه، پسرخاله، پسر دایی و پسر عمو، در نامحرم بودن، هیچ فرقی با مردان کوچه و خیابان ندارند و آشنایی و رابطه بیشتر، جزء یک



خانواده بودن، مثل بچهٔ خودشان بودن و بهانه‌هایی مانند آن، دلیلی بر محرم بودن و رعایت نکردن پوشش نزد آنان نمی‌شود.
 اکنون به هفت شاخصهٔ اصلی پوشش یک دختر مسلمان در بیرون از خانه اشاره می‌کنیم، تا هر کدام از زنان و دختران، با تطبیق آن بر نوع پوشش خود، درجه و رتبهٔ حجاب اسلامی خود را مشخص نموده و در صورت نیاز، نسبت به اصلاح پوشش خود اقدام نمایند.

به سر داشتن مقنعه یا روسری بلند

قرآن کریم خطاب به زنان مسلمان می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ زنان باید سر و سینهٔ خود را با مقنعه بپوشانند»^۱.
 خُمُر که جمع خمار است، در لغت عرب به پوشش مخصوصی گفته می‌شود که سر و اطراف سر بانوان را می‌پوشاند، یعنی همان مقنعه معروف زنان ایرانی.^۲
 همسر پیامبر می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد، هر یک از زنان به سمت لباس‌های مخصوص خود رفتند و از آن تکه‌ای جدا کردند و مقنعه‌ای مشکی پوشیدند.^۳
 امام باقر(ع) نیز فرمود: «فاطمه(س) بانوی زنان بهشتی است، مقنعه‌ی او بلند و تا حد بازوانش بود».^۴

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۱.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۱؛ تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۰۰؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۲۴.

۳. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۷۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۵.

۴. «فاطمه(س) سیدهٔ اهل الجنَّةِ وَ مَا كَانَ خِمَارَهَا إِلَّا هَكَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَىٰ وَسْطِ عَضِدِهِ». مکارم الاخلاق، ص ۹۳.

استفاده از شلوار

یکی از ویژگی های پوشش اسلامی، استفاده از شلوار است. رسول خدا(ص) فرمود: «ای مردم! شلوار را به عنوان پوشش برگزینید؛ چرا که از پوشاننده ترین لباس های شماسست و زنان خود را هنگامی که از خانه بیرون می روند، با شلوار بپوشانید و محافظت کنید.»^۱

قطعاً منظور حضرت استفاده از شلوار در کنار دیگر پوشش ها به عنوان مکمل است، نه به جای پوشش اصلی. به عبارت دیگر، حضرت توصیه کردند زیر لباس بلند خود حتماً شلوار بپوشند؛ نه اینکه می توانند فقط با پوشیدن شلوار بیرون بیایند!!

۱. «أَيُّهَا النَّاسُ اتَّخَذُوا السَّرَائِلَ فَإِنَّهَا مِنْ أَسْرَثِيَابِكُمْ وَ حَصِّنُوا بِهَا نِسَاءَكُمْ إِذَا خَرَجْنَ». مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۵؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۸.



پرهیز از لباس های چسبنده

رسول خدا(ص) درباره کیفیت و نوع پوشش به زنان چنین تذکر داده است: «برای زنان شایسته نیست که هنگام رفتن از خانه، لباس خود را جمع و فشرده کنند»^۱. یعنی نباید لباس های تنگ و چسبنده بپوشند، به گونه ای که برجستگی ها و حجم بدن آشکار شود.

همین دغدغه، یکی از نگرانی های حضرت زهرا(س) در روزهای پایانی عمر مبارکشان بود، از این رو خطاب به «آسماء» فرمودند: من بسیار زشت و زننده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تابوتی سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه ای می افکنند که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می دهد. آسماء در پاسخ گفت: ای دختر رسول خدا، من چیزی را که در حبشه دیدم برای شما می سازم. حضرت پس از مشاهده تابوت جدید، فرمود: چه نیکو و زیباست، دیگر با این تابوت زن و مرد مشخص نیست.^۲

۱. پرتوی از پیام پیامبر (برگردانی تازه از نهج الفصاحه)، ص ۸۶.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۲۹.

نپوشیدن لباس های بدن نما

امیر مؤمنان علی علیه السلام پوشیدن این گونه لباس ها را نشانه ضعف باورهای دینی دانسته، فرمودند: «لباس های ضخیم - که خوب بدن را می پوشانند- بپوشید، چرا که هر کسی لباس نازک و بدن نما شود، اعتقاداتش نیز ضعیف خواهد شد»^۱.

۱. «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ». جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۳۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۳.



کوتاه نبودن لباس

امام صادق(ع) در این باره فرمودند: «زن مسلمان، نباید روسری یا روپوشی داشته باشد که خوب بدنش را نمی پوشاند»^۱.

برخی همزمان با پوشیدن لباس های کوتاه و نامناسب، از ترفند «دست پیش بگیر تا عقب نیفتی» استفاده می کنند و هرگونه اعتراضی نسبت به پوشش خود را با این جمله که «این هم حجاب است، چه اشکالی دارد» توجیه می کنند. اما باید دانست که یک دختر مسلمان، با خصلت حیا و عفت الهی خود، اگر با این بهانه ها از سر و ته حجابش بزند، دیگر کجای پوشش او مطابق خواست شریعت خواهد بود؟ از این گونه زنان در روایت با عنوان «کاسیات عاریات» نام برده شده است؛ یعنی زنانی که به ظاهر پوشیده اند، ولی در واقع برهنه اند.^۲

۱. «لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمُرِ وَ الدَّرُوعِ مَا لَا يُؤَارِي شَيْئًا». کافی، ج ۴، ص ۳۹۶.

۲. مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۵۲؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۰.

جذاب و چشمگیر نبودن

ساختمان های چند طبقه و برج های مرتفع، یکی از چیزهای است که امروزه در کوچه و خیابان توجه انسان را به سوی خود جلب می کند. قرآن می فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۱ دختران و زنان مسلمان نباید مثل برج باشند که چشم ها به سوی او خیره شده، زینت ها و زیبائی هایش برای دیگران به نمایش در آید. لازمهٔ برج نشدن، پرهیز از هر پوشش و آرایشی است که نگاه ها را به سوی او متوجه ساخته،

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.



بیماردلان را به چشم چرانی و فساد دعوت می نماید.^۱
پیامبر اکرم(ص) در تبیین یکی از شرایط و بایدهای پوشش اسلامی فرمودند:
«زن نباید هنگام خروج از خانه، لباسی جذاب و چشم گیر بپوشد».^۲ و امام
صادق(ع) فرمودند: «زن نباید هنگام خروج از خانه، لباس های خود را زینت
دهد».^۳

این چشمگیر بودن و جلوه گری، علاوه بر مانتوهای چسبان، کوتاه و رنگارنگ،
پوشش برخی دختران و زنان چادری را هم شامل می شود که در کنار چادر،
با استفاده از رنگ های شاد و تحریک آمیز در روسری یا مقنعه، همراه با
کمی عطر و ادکلن و آرایش ملایم، به پا کردن کفش های نامناسب و مانند آن،
باعث جلب نظر و توجه دیگران می شوند، اگرچه چادری هم بر سر داشته
باشند! در حالی که این نوع پوشش هم، دور از حقیقت و روح حجاب اسلامی و
فاطمی است؛ زیرا تبرّجی جدید است در سایه چادر.

۱. «قَبِطَمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (سوره احزاب، آیه ۳۲).

۲. «نَهَى النَّبِيُّ (ص) أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ نَوْبًا مَشْهُورًا». مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۴۰؛ وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

چادر، پوشش فاطمی (س)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را به چادر فرو پوشند؛ که این کار برای این که آنها به عفت و آزادگی شناخته شوند، تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است»^۱.

واژه «جلابیب» که در آیه شریفه ذکر شده، جمع

۱. سورة احزاب، آیه ۵۹.



جَلْبَاب است و جلباب به معنای پوشش گسترده و فراگیر تمام بدن است که زنان بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشند؛ امروزه در زبان فارسی به چنین پوششی چادر گفته می‌شود.

پوشش اسلامی، یعنی چادر و مقنعه، پوشش بلند، پرهیز از چشمگیر بودن و مانند آن به عنوان شاخصه‌های پوشش اسلامی زن مسلمان در خارج از خانه، در سیره حضرت فاطمه (س) ذکر شده است؛ همانگونه که در جریان غضب فدک^۱ توسط خلیفه اول، آن حضرت برای دفاع از ولایت و احقاق حقوق خدادادی خود، به همراه گروهی از زنان به سمت مسجد حرکت کردند. شیوه پوشش حضرت در این هنگام چنین توصیف شده است: حضرت زهرا (س) هنگام خروج از منزل، مقنعه را محکم بر سر بستند و چادر را به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند.^۲

۱. باغ حاصل خیزی که پیامبر (ص) به دستور الهی به حضرت فاطمه (س) بخشید.

۲. الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۲۳؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۲۴۷؛ بلاغات النساء، ص ۱۲.

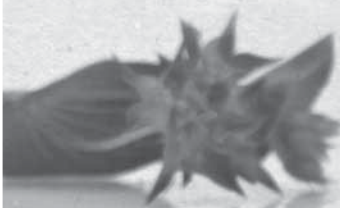
بوی باران...


رختِ زیبای آسمانی را
خواهرم با غرور بر سر کن
نه خجالت بکش نه غمگین باش
چادرت ارزش است، باور کن

بوی زهرا و مریم و هاجر
از پر چادرت سرازیر است
بشکنند آن قلم که بنویسد:
"دُمده گشت و پا گیر" است

توی بال فرشته ها انگار
حفظ، وقتِ عبور می آیی
کوری چشم های بی عفت
مثل یک کوه نور می آیی

حفظ و پوشیده در صدف انگار
ارزش و شان خویش می دانی
با وقاری و مثل یک خورشید
پشتِ یک ابر تیره می مانی





قدّمت روی شهپر جبریل
هر زمانی که راه می آیی
در شب چادرت تو می تابی
مثل یک قرص ماه می آیی

در زمانی که شأن و ارزش جز
به دماغ و لباس و ماشین نیست
توی چادر بمان و ثابت کن
ارزش واقعی زن این نیست...!

۱. شاعر: وحید مصلحی.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه امام علی (ع)
الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه،
ج ۳، ۱۳۸۸ ق.
وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حرّ عاملی، محمد بن حسن، چاپ
دار احیاء التراث العربی، بیروت (اسلامیه).
جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، نجفی، محمد حسن، نشر دارالکتب
الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۶۷ ش.
تحف العقول، حرّانی، ابن شعبه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین،
چ دوم ۱۳۶۳.
بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مجلسی، محمد باقر، بیروت،
مؤسسه وفاء، ج دوم، ۱۴۰۳.
من لا یحضره الفقیه، صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، چاپ دوم،
جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴.
تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهران، نشر دارالکتب
الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵ ش.
مستدرک الوسائل، نوری، میرزا حسین، قم، نشر آل البيت، ج ۱، ۱۴۰۸.

الخرائج والجرائح، قطب الدين راوندى، مؤسسة الامام المهدي، قم.
عيون الحكم والمواعظ، الليثى الواسطى، على بن محمد، قم، دارالحديث، ج ١.
الأمالي، شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه، قم، بعثت، ج ١، ١٤١٧.
عيون اخبار الرضا (ع)، صدوق، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه، بيروت، نشر
اعلمى، چاپ اول، ١٤٠٤ ق.
ميزان الحكمه، محمد محمدى رى شهرى، (عربى)، قم، دارالحديث، ج ١.
كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، متقى هندى، علاء الدين، بيروت، مؤسسة
الرسالة، ١٤٠٩.
كمال الدين و اتمام النعمه، شيخ صدوق محمد بن على بن بابويه قمى،
انتشارات جامعه مدرسين، قم، ١٣٦٣.
مستدرک سفینه البحار، نمازى شاهرودى، على، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٩.
الغيبه، شيخ طوسى، محمد بن الحسن، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٤١١.
سنن ابن ماجه، قزوینى، محمد بن یزید، نشر دارالفکر، بیروت.
مکارم الاخلاق، شيخ طبرسى، امين الاسلام ابو على فضلبن حسن طبرسى،
نشر شريف رضى، ج ٦، ١٣٩٢.
تفسير مجمع البيان فى تفسير القرآن، شيخ طبرسى، بيروت مؤسسہ أعلمى،
ج ١، ١٤١٥.

الميزان في تفسير القرآن، طباطبائي، سيد محمد حسين، قم، جامعه مدرسين.
معالم المدرستين، سيد مرتضى عسكري، مؤسسه النعمان، بيروت، ۱۴۱۰.
البحر الرائق، ابن نجيم مصري، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۸.
لسان العرب، ابن منظور، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، چاپ اول،
۱۴۰۸ق.
تفسير القرآن العظيم، (تفسير ابن كثير)، ابى الفداء، اسماعيل بن كثير، دارالمعرفه،
بيروت، ۱۴۱۲.
الاحتجاج، شيخ طبرسى، نشر دار النعمان.
بلاغات النساء، ابن طيفور، مكتبة بصيرتى، قم.
مكارم الاخلاق، شيخ طبرسى، نشر شريف رضى، ج ۶، ۱۳۹۲ ق.
جوانان و ازدواج، هيئت تحريريه مؤسسه در راه حق، قم.
برای ريحانه، محمود اكبرى، گلستان ادب، قم، ج ۲۶، ۱۳۸۶.
سلامى دوباره (مجموعه مقالات «برادر پاسدار اسلام» در مجله پیام انقلاب)،
تهران سپاه پاسداران.
پرتوى از پیام پیامبر(ص) (برگردانى تازه از نهج الفصاحه)، على كرمى فريدنى،
انتشارات حلم، ج ۱، سال ۱۳۸۴.

در زمانی که شأن و ارزش جز
به دماغ و لباس و ماشین نیست
توی چادر بمان و ثابت کن
ارزش واقعی زن این نیست...!

